

به دنیای علوم اجتماعی خوش آمدید

فولاد اشتري، تهران، هفتمين جشنواره عكس رشد

برخی از منظر انتقادی علوم اجتماعی را «علم تلاش و کوشش سخت و پایان ناپذیر برای توضیح واضحات» تعریف کرده‌اند. هر چند این تعریف و تلقی از علوم اجتماعی با نوعی اغراق و بی‌مهری توأم است اما در نقد نگاه‌های افراطی به علوم اجتماعی عاری از حقیقت نیست. زندگی اجتماعی محصول تفسیر مردم از واقعیات و پدیده‌های اجتماعی است و نظریه‌پردازان و پژوهشگران علوم اجتماعی با بازتفسیر زندگی اجتماعی، دانشی را بنیان می‌نهند که در برخی موارد چنان در مفاهیم و نظریات مبهم، مغلق، پیچیده و یا آداب و تشریفات آکادمیک غرق و اسیر می‌شود که درک آن برای بسیاری از مردم نه تنها دشوار که شاید غیرممکن به نظر برسد. اما اگر چنین پیچیده‌گویی و یا پیچیده‌نمایی‌هایی از دانش اجتماعی در بین محافل آکادمیک و انجمن‌های علمی امری پذیرفته‌شده باشد، قطعاً در متون آموزشی و کتاب‌های درسی خطایی فاحش و خلاف قصد و هدف اصلی است. کتاب‌های درسی اتفاقاً باید روندی معکوس را طی کنند؛ یعنی مفاهیم و نظریه‌های پیچیده را در فرایند عمومی کردن علم، ساده‌سازی کنند. البته ساده‌سازی مفاهیم علوم اجتماعی برای دانش‌آموزان و گره‌زدن آن با زندگی واقعی و روزمره کاری سخت و دشوار است به همین دلیل نیز تألیف و تدوین کتاب درسی کاری نیست که هر نویسنده تازه‌کار و یا کم‌تجرب‌ای از عهده آن برآید. اصولاً تألیف کتاب‌های درسی بیشتر کاری جمعی و گروهی است تا انفرادی و معلمان با تجربه و کارآموزدهای که از دانش نظری روزآمد برخوردار باشند، بهترین گزینه برای عمومی کردن علم و ساده‌سازی دانش اجتماعی هستند. معلمان پیچیده‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی را با ساده‌ترین بیان و ملموس‌ترین مثال‌ها به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند.

یک نمونه از چنین شیوه‌ای را که می‌تواند سرمشی برای مؤلفان کتاب‌های درسی علوم اجتماعی باشد، در ادامه نقل می‌کنم و در عین حال از سایر دبیران و معلمان علوم اجتماعی در سراسر کشور می‌خواهم تجارب ارزشمند خود را در این زمینه با ما به اشتراک بگذارند.

... اولین روز سال تحصیلی، فرزندم را به مدرسه بردم. همه دانش‌آموزان برحسب پایه و شماره کلاس صف بسته بودند. از بین دانش‌آموزان هر کلاس یک نفر به عنوان مبصر یا مسئول انتظامات انتخاب شده بود. مبصر هر کلاس از ابتدا تا انتهای صف را نگاه می‌کرد و در جایی که بچه‌ها منظم و پشت سرهم قرار نگرفته بودند، با نوک پا به کفش آن‌ها می‌کوبید که یعنی صاف و پشت سرهم بایستید. همین اتفاق برای فرزند من افتاد و مبصر با نوک پا به کفش او کوبید. این حرکت برای فرزند من که برای اولین بار بود که به این مدرسه می‌آمد، تعجب‌آور و ناخوشایند بود. به همین دلیل از من پرسید: «بابا چرا می‌زند؟» گفتم: «منظورش این است که صاف بایست.»

گفت: «پس چرا نمی‌گوید صاف بایست و می‌زند؟» با خودم گفتم: «به دنیای علوم اجتماعی خوش آمدی!» استفاده از «اجبار» و «قدرت» همواره یکی از روش‌های برقراری نظم اجتماعی بوده است. در نظام‌های استبدادی برای برقراری نظم بیشتر از اجبار، زور، تحکم، تهدید و ترس استفاده می‌کنند، اما هر چه جوامع جلوتر آمده و نظام‌ها دموکراتیک‌تر شده‌اند «اقناع» و «توجیه» افکار عمومی جایگزین استفاده از فشار و اجبار شده است. به همین دلیل نیز اکنون نهادهای آموزش، دانش، دین و در عصر جدید رسانه‌ها، مهم‌ترین نقش را در تحکیم و تقویت نظم اجتماعی دارند.

لویی آلتوسر، جامعه‌شناس تضادگرا، از این نهادها به عنوان «دستگاه‌های ایدئولوژیک» نام می‌برد که در جامعه مدرن نقشی اساسی در تحکیم و بازتولید نظم اجتماعی مستقر دارند. جامعه‌شناسان دیگری چون **دورکیم**، **وبر**، **پارسونز**، **گرامشی**، **زیمل**، **پاره‌تو**، **گیدنز**، **هابرماس**، **بورديو** و **کاستلز** با مفاهیم مشابهی بر نقش نهادهای فرهنگی، آموزشی، دینی در اقناع افکار عمومی و تحکیم نظم، انسجام و وفاق اجتماعی تأکید کرده‌اند.

سردبیر

